

آغاز فصل سوم «شهرزاد» از ۹ بهمن ماه

فصل سوم سریال «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی و تهیه‌کنندگی سیدمحمد امامی که در بستر ی‌اشقانه و تاریخی روایت می‌شود، از نهم بهمن‌ماه در شبکه‌نمایش خانگی و همچنین در قالب‌نمایش آنلاین منتشر می‌شود. فصل سوم نیز مانند دو فصل قبل، دوشنبه‌ها منتشر خواهد شد. تصویربرداری فصل سوم سریال «شهرزاد» که از شهر یورد در حال تولید است همچنان با حضور همه بازیگران ادامه دارد.



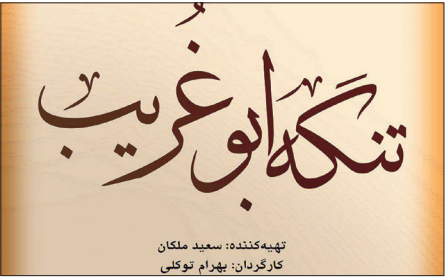
آنجلینا جولی بار دیگر «شریر» می‌شود

مهر کمپانی دیزنی قسمت دوم «شریر» را با حضور آنجلینا جولی خواهد ساخت. هر چند پیشتر اعلام شده بود این کمپانی به ادامه دادن فیلم پرفروش «شریر» علاقه‌مند است، اما روشن نبود که آیا جولی بازیگر این فیلم خواهد بود یا نه. جولی که در فیلم «شریر» در نقش منفی فیلم بازی کرده بود، با این فیلم که سال ۲۰۱۴ اکران شد و نسخه جدیدی از «زیبا و خفته» بود، در نقش ملکه بدجنس ظاهر شد.



«تنگه ابو غریب» به دزفول رسید

فیلمبرداری فیلم سینمایی «تنگه ابو غریب» به کارگردانی بهرام توکلی به شهر دزفول رسید. گروه تولید فیلم سینمایی «تنگه ابو غریب» پس از شهرک سینمایی دفاع مقدس، چرمشهر و اندیشک برای ادامه فیلمبرداری به شهر دزفول رسیدند. فیلمبرداری این کار طی روزهای آینده به پایان می‌رسد. «تنگه ابو غریب» از نظر صحنه‌های اکشن و جنگی جزء آثار منحصر بفرد سینمای دفاع مقدس محسوب می‌شود.



خبر خوش انتظامی برای مطبوعات و کتاب

حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد گفت: «با مساعدت بانک مرکزی که ارز مبادله‌ای در اختیار واردکنندگان کاغذ قرار داد یک محموله ۱۰ هزار تنی کاغذ روزنامه و کاغذ تحریر در حال ترخیص از گمرک است و تا هفته آینده به انبارهای چاپخانه‌ها می‌رسد. این محموله شامل عرض‌های مختلف مصرفی است که کمک می‌کند التهاب موجود بازار کاغذ مرتفع شود.»



وحید ملتجی، مدیر مرکز اوج کودک و نوجوان درباره مسابقه تلویزیونی «فاز»:

«فاز» تلاشی برای اعتماد به نسل نوجوان

امروز دیگر برنامه‌سازی تلویزیون آن هم برای مخاطب نوجوان مثل گذشته نیست؛ شاید سخت‌تر شده و روند تولید هم باید خلافتانه‌تر باشد. نوجوان امروز و حافظه تصویری اش در معرض و حصار ابزارهای متعدد رسانه‌ای است. بنابراین ارتباط، جذب و برنامه‌سازی برای او پیچیدگی‌های خاص خودش را می‌طلبد. «مرکز اوج کودک و نوجوان»، در ابتدای کار رسانه‌ای خود، سراغ ساخت پروژه تلویزیونی متفاوتی به نام «فاز» رفته است؛ برنامه‌ای که به تهیه‌کنندگی احسان کاوه و سردبیری میلاد دخانچی تولید شده و از ابتدای زمستان از شبکه دو سیما پخش می‌شود.

وحید ملتجی مدیر مرکز اوج کودک و نوجوان در مورد ایده اولیه ساخت این پروژه تلویزیونی می‌گوید: «ایده اولیه برای ساخت «فاز» که اسامه اولیه‌اش هم نام دیگری بود، ساخت برنامه‌ای به سبک مسابقه‌ای کلاسیک برای نوجوانان بود؛ اینکه سوالاتی داشت و نوجوانان با شرکت در مسابقه و حضور در لوکیشن برنامه، به سوالات پاسخ می‌دادند.»

وی ادامه داد: «البته بعدها در اتاق فکر برنامه، هر چقدر جلو رفتیم، ایده پخته‌تر شد و به نسخه‌های جدیدی رسیدیم. افرات نیست بگویم بیش از هفت نسخه، نام و شکل و تیم تولیدکننده آن تغییر کرد تا نتیجه همین شد که الان اجرا می‌شود.»

ملتجی در مورد شیوه فعلی اجرای این مسابقه گفت: «این مسابقه هفت مرحله یا به قول ما هفت فاز هفت فاز دارد که در تمامی‌شان بحث «قابل اعتماد بودن» بچه‌ها، نخ تسبیح است. بچه‌هایی که در این مسابقه ثبت‌نام کرده‌اند، در فاز صفر گزینش شده‌اند. بعد از آن در چهار فاز ابتدایی، چالش‌های طراحی، طومار، حل مساله و در نهایت چالش فروش را طی می‌کنند. کسانی که بتوانند از این چهار فاز با رای هیات داوران عبور کنند، فرصت حضور در سه فاز پایانی را خواهند داشت. این سه فاز مرحله اجرایی ایده عام‌المنفعه‌شان است.»

منتخب عنوان «فرزند ایران زمین» یا «فاز» برای این برنامه گفت: «در پایان مسابقه، برگزیده یا برگزیدگان نوجوان، یک جایزه ۱۰۰ میلیون تومانی اعتباری می‌گیرند تا بتوانند طرح عام‌المنفعه‌شان را اجرایی کنند. ضمن اینکه تندیس «فرزند ایران زمین» را هم دریافت خواهند کرد. این عنوان در راستای همان اعتماد و اعتمادسازی است. در واقع «فاز» می‌خواهد کاری کند که نوافکن‌ها روی مقطع نوجوانی رزورتر بنایند تا دیگران در قبال این مقطع سنی و دوره نوجوانی بیشتر احساس تکلیف کنند و بدانند باید در این حوزه بیشتر کار کنند.»

ملتجی با اشاره به اینکه باید جامعه نسبت به رده سنی نوجوان حساس باشد و برنامه‌ریزی‌های جدی در مورد آنها انجام دهد، گفت: «اگر این هنر را داشته باشیم که جامعه را اعم از مردم و مسئولان به این موضوع حساس کنیم، کار خودمان را انجام داده‌ایم. مانند حوزه خردسال که در سال‌های گذشته این اتفاق افتاد و الان جامعه به این رده سنی بیشتر اهمیت می‌دهد.»

این مدیر فرهنگی در مورد برنامه بعدی این پروژه تلویزیونی گفت: «به «فاز» به عنوان یک ابرپروژه نگاه می‌کنیم. به این نتیجه رسیده‌ایم که فقط با تولید برنامه فاخر و خوب نمی‌توان در جامعه جریان ساز شد؛ حتما باید محتوای برنامه در جامعه امتداد داشته باشد و زنجیره ارزش در کنارش باشد تا اثرگذاری اش بیشتر شود. بنابراین درصددیم این زنجیره ارزش را در فاز، به عنوان یکی از طرح‌های اولیه‌مان اجرا کنیم. به غیر از نسخه تلویزیونی، به نسخه‌های دیگر فاز هم فکر می‌کنیم. اگر از نسخه تلویزیونی بازخورد خوبی گرفتیم، به بقیه عرصه‌هایش هم بپردازیم.»

ملتجی در مورد عرضه محصولات جانبی این برنامه تلویزیونی همچنین گفت: «به این موضوع هم فکر کرده‌ایم که «فاز» را در زمینه‌هایی مثل بازی یا اپلیکیشن و خیلی از زمینه‌های دیگر می‌توان به مخاطب عرضه کرد. برای «فهرست مقدس» هم که یکی از تولیدات فاخر این مجموعه است، همین شیوه را در نظر گرفته‌ایم.»



احسان زیور عالم روزنامه‌نگار

سال‌های ۹۲ و ۹۳، سال‌های پرهیاهوی رسانه‌ای بود از حضور ستارگانی در سالن‌های شاخصی چون ایران‌شهر، حافظ و وحدت که در تئاتر سنخیتی نداشتند. آن روزها صحنه تئاتر محل رونمایی از ستارگان پرده سفید سینما یا صحنه نقره‌ای تلویزیون و حتی مستطیل سبز فوتبال بود. هجمه‌های رسانه‌ای از خطری در تئاتر ایران سخن می‌گفت و برخی تئاتر را در دوران انحطاط و اضمحلال می‌دانستند. ستارگان تلویزیونی و سینمایی و فوتبالی، محلی بود برای کسب درآمد بیشتری به واسطه حضور محبوب عموم مردم. نمایش‌ها نیز از منظر تئاتری چنگی به دل نمی‌زدند. اعتراض تئاتری‌ها بالا گرفت و کار به پیشکسوتان رسید. فضای رسانه‌ای ملول از «کل کل»‌های میان موافقان و مخالفان بود؛ ولی سمیه موافقان ستارگان به واسطه رسانه‌های زرد و البته شبکه‌های اجتماعی پرزورتر بود. با این حال شمع نقد روشن مانده بود و بیشتر تیرهای زهرآگین و گزنده نقدها نیز به سمت کسی نبود جز پژمان جمشیدی.

در این میان پژمان جمشیدی بیش از دیگران به محل جدل بدل شده بود. او در مصاحبه‌ای جالب گفته بود: «من برای همه منتقدان احترام قائلم ولی کمی شبیه شوخی است. این اقبالی که از طرف مردم وجود دارد بی دلیل نمی‌تواند باشد، حتی اگر پارتنی هم داشتم خیلی تلاش کردم که بتوانم نقشم (در سریال پژمان) را به خوبی ایفا کنم. مقوله بازیگری از هنرمند بودن برای من جداسست. من خیلی از بازیگران را هنرمند نمی‌دانم. هنرمند فردی است که رفتارش، رفتار ویژه‌ای است.»

سال‌ها از این موضوع گذشت و جمشیدی روال مناسبی از اجرای تئاتر را دنبال کرد؛ اما او دیگر بازیگر پرفروغ گذشته نبود. «بینوایان» و «یادم تو نیست» دربارۀ جنایات منافقان، سراغ ساخت این مستند نرفته است. مهدویان پیش از این تجربه تولید موفق مستند تلویزیونی «آخرین روزهای زمستان» را داشته که به زندگی شهید حسن باقری می‌پرداخت. فرم ساخت این مستند، به شدت مورد استقبال قرار گرفت. موفقیت «آخرین روزهای زمستان» الهام‌بخش کارگردان‌هایی همچون بهروز افخمی، کیومرث پوراحمد و کمال تبریزی بود تا فیلم‌نامه‌هایی با محوریت زندگی شهید حسن باقری، بنویسند. پیش‌بینی می‌شود که با نمایش مستند «ترور سرچشمه»، یکی از آثار مهم مستندسازی در حوزه تاریخ معاصر رونمایی شده و روند ساخت اثر سینمایی داستانی با همین موضوع، هموارتر شود.



«فرهیختگان» از حواشی حضور ستاره‌های سینمایی در تئاتر گزارش می‌دهد

به نفع بازیگر، به ضرر تئاتر

ضعیف معرفی می‌شود که در آن شاگردوست به هیچ عنوان خوش نمی‌درخشد؛ اما بمب‌های خبری در فضای مجازی همه چیز را به نفع نمایش رقم می‌زنند.

درباره «اولیور توئیست» وضعیت مشابهی رخ می‌دهد. نمایش به واسطه حضور افشار صاحب‌بیلوردی‌بی‌شمار می‌شود و حامیان تبلیغاتی را فارغ از محتوا و ارزش هنری نمایش با خود همراه می‌کند. در حالی که افشار روی صحنه تالار وحدت ضعیف ظاهر می‌شود؛ اما این مساله مهم نیست. رسانه‌ها به شکل وسیع او را به عنوان ستاره، درخشان‌تر می‌کنند. وضعیت برای سحر قریشی با انتشار چند ویدئوی قدیمی پیچیده می‌شود و طومار نمایش با یک کمپین علیه نمایش به سرازیری شکست در گیشه منجر می‌شود تا نشان دهد فضای مجازی می‌تواند در فروش یک نمایش به چه میزان تاثیرگذار باشد.

با اینکه در مجموع حضور هر سه بازیگر در فروش مغتنم شمرده می‌شود؛ اما تاریخ نشان داده نتیجه کار پژمان جمشیدی و بهنوش بختیاری است. در این موقعیت سوال مهم این است که چه بر سر ستاره‌ها می‌آید؟ چرا بهبود بازیگری آنان برابر با حضور مخاطب بیشتر نمی‌شود؟ چرا رشد بازیگر با رشد اقبال عمومی همراه نبوده است؟ چرا «در» بازیگری روی یک پاشنه نچرخیده است؟ آیا باید دورانی را پیش‌بینی کنیم که برای مخاطبان تئاتر دیگر، قدرت حضور و ایفای بازیگران برایشان محلی از اعراب نیست، جواب این سوال‌ها سخت است؛ ولی می‌توان یک جواب پراش متصور بود. در روزهایی که وضعیت فرهنگی کشور مسیر نزولی خود را طی می‌کند و در میان سبزه‌های مزبله فرهنگی، هرازگاهی اثر فخریم و قابل‌اعتنایی یافت می‌شود، مخاطب بد عادت کرده تئاتر، از بازیگران اصطلاحاً سربلینی چیز دیگری را طلب می‌کند. این خواسته می‌تواند به سبک زندگی و روش فخر فروشانۀ طبقات بالایی اجتماع مرتبط باشد؛ همان طبقاتی که با ستاره شدن یک بازیگر خود بدان بدل می‌شوند. گذشته‌ای که فراموش می‌شود و آینده‌ای که پیش‌بینی نمی‌شود.

رافراموش» در ایران‌شهر برای اوشکستی تجاری رقم زد تا دیگر بازیگر گیشه نباشد. آن روزها جمشیدی بازی قابل قبول‌تری ارائه می‌داد و حتی در تالار حافظ و در نمایش ضعیف داوود بنی‌ارلان، نسبت به باسابقه‌ها و ستارگان نوظهورش بهتر بازی کرده؛ اما صحنه باجمشیدی نامهربان بود و او را از عرصه خارج کرده بود؛ نمی‌فروخت جایی در تئاتر نداشت. وضعیت برای ستارگان دیگر هم جالب نبود. بهنوش بختیاری که در سال ۹۴ نمایش شکست خورده «پرواز ایکار» را در ایران‌شهر بازی کرده بود؛ این بار با نمایش «سه خواهر و دیگران» حمید امجد در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه رفت. او که آن زمان رکورد پنج میلیون دنبال‌کننده را در اینستاگرام داشت، با شکست تجاری نمایش امجد با صحنه وداع کرد تا حداقل برای دو سال آینده روی صحنه تئاتر نباشد.

آن روزها هیاهوها بر سر حضور ستارگان سینمایی با فروش‌های اندک فروخت. کسی دیگر به یاد نمی‌آورد که چرا پژمان جمشیدی یا بهنوش بختیاری روی صحنه تئاتر ظاهر نمی‌شوند. در عوض نگاه‌ها به سینما و حضور غول‌های تئاتری در نقش‌های خرد بود. زمانی که سیامک صفری و نسیم ادبی در نقش‌های نچندان شاخص در فجر ۳۵ حضور پررنگی داشتند؛ پرسش این بود چرا سینما رفتاری قهرآمیز با هنرمندان تئاتر دارد.

ولی ورق برمی‌گردد. این روزها سه بازیگر غیرتئاتری، هر سه بانسو، روی صحنه تئاتر خودنمایی می‌کنند. در ایران‌شهر الناز شاکردوست و در تالار وحدت، مهناز افشار به‌لایت نمایش‌هایشان Sold out می‌شود. در تئاتر شهرزاد نیز سحر قریشی با «لامبورگینی ۲» کاری از سیامک صفری به بمب خبری بدل می‌شود؛ اما با تشکیل کمپینی علیه‌اش، با ریزش مخاطب مواجه می‌شود.

در این وانفسا هر یک از چهره‌ها به واسطه‌ای برای فروش آثار خود وارد عمل می‌شوند. در حالی که شاکردوست در «خفگی» روی پرده است، تیم تبلیغاتی فریدون جیرانی برای نمایش او سنگ تمام می‌گذارد؛ این در حالی است که نمایش امیر مهندسین، «گم‌وگور» یک نمایش



سینما حقیقت

مستند جدید محمد حسین مهدویان رونمایی می‌شود

نمایش «ترور سرچشمه» با ۲۷ روایتگر سیاسی

بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند، انتخاب شوند...».

این آخرین جملات وی پیش از انفجار ساختمان و شهادت بود؛ جملاتی که حالا روی صفحه‌های روزنامه‌ها به یادگار مانده‌اند و اکنون بخشی از صحنه یک فیلم مستند ۸۰ دقیقه‌ای محسوب می‌شوند.

تولید این مستند با حضور یک تیم سینمایی پرتعداد و در روزهای ماه مبارک رمضان و تیرماه امسال شروع شد. بیش از ۲۷ نفر از میهمانان مختلف سیاسی در این مستند حضور یافتند تا واقعه هفت تیر و به شهادت رسیدن ۲۷ تن از بهران و اعضای حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ بررسی و نشان داده شود. اولین بار است که فیلمی درباره این اتفاق ساخته می‌شود. مهدویان پیش از ساخت دو اثر سینمایی موفقش یعنی

اولین نمایش عمومی «ترور سرچشمه» جدیدترین اثر محمد حسین مهدویان، ساعت ۱۵: ۱۹ پنجشنبه ۲۳ آذرماه، در بخش مسابقه یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت است. مهدویان که در آثار قبلی‌اش به بررسی وقایعی در تاریخ معاصر پرداخته، در مستند جدیدش هم سراغ موضوع حادثه ترور بستی هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ رفته است.

لوکیشن اصلی مستند «ترور سرچشمه» در طبقه دوم خانه‌ای قدیمی در مرکز شهر است و فقط ۱۰ درصد تصاویر این مستند آرشیوی است که طی چهار ماه تحقیق به دست آمده است. ۳۶ سال از اتفاق تلخ انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی می‌گذرد. آیت‌ا... سیدمحمد بهشتی سخنانش را در آن روز تاریخی به این شکل آغاز کرده بود: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به

